

امریکا، امپراتوری که عاقبت به خیر نشد

رمزی بارود

مترجم: مریم نجیمی

چکیده

این مقاله به تحلیل سیاست خارجی ایالات متحده در قبال کشورهای منطقه غرب آسیا و راهکار خروج این کشور از بن‌بست‌های خودساخته اختصاص دارد؛ سیاستی که در جهت منافع این کشور به سیاست خارجی ایالات متحده تقریباً به طور کامل زمین‌گیر شده است. آتش‌افروزی در کشورها و اقدامات غیرمسئولانه همت گماشته و جایگاه این کشور را در سال‌های اخیر در میان کشورهای دوست و دشمن تنزل داده است. واقعیت آن است که ایالات متحده بازنده تمام برنامه‌ریزی‌های مخرب و فاجعه‌باری است که در دنیا و به ویژه در منطقه غرب آسیا صورت گرفته است. به نظر می‌رسد یگانه راه خروج امریکا از این بن‌بست توجه به کشورهای شرق آسیا و جلب بازار آنها برای صادرات انرژی باشد. کلیدواژگان: سیاست خارجی امریکا، جنگ عراق، فلسطین، نومحافظه کاران، منافع اقتصادی.

جان کری، وزیر خارجه امریکا، که پس از هشت ماه مشاجره درباره آغاز مذاکرات سران تشکیلات خودگردان فلسطین با مقامات حکومت صهیونیستی در چهارم آوریل به مراکش سفر کرده بود، بیش از این نتوانست ناکامی خود را در به بن‌بست رسیدن مذاکرات صلح غرب آسیا تحت رهبری ایالات متحده پنهان کند، و در نهایت پذیرفت که شکست اخیر نمایی از یک واقعیت در فرایند مذاکرات صلح است. اما محدود کردن این واقعیت به شکست مذاکرات صلح را نمی‌توان تنها نمونه واقعیت دردناکی دانست که ایالات متحده در سال‌های اخیر با آن روبه‌رو بوده است.

جایگاه سیاست خارجی ایالات متحده را در منطقه غرب آسیا و در کل جهان نمی‌توان با هیچ‌گونه زبان خوشبینانه‌ای به تصویر کشید. برای مثال، سناریوهای (نمایشنامه‌های) فاجعه‌بار ایالات متحده در برخی کشورها نظیر سوریه، لیبی، مصر، اوکراین و به تازگی در فلسطین و سرزمین‌های اشغالی (اسرائیل) مسیر اشتباه سیاست خارجی این کشور را ترسیم می‌کند. بحران‌های پی در پی به ایالات متحده اجازه نداده است تا به شکست‌های خود در منطقه غرب آسیا پایان بخشد و پس از جنگ فاجعه‌بار عراق چرخش حساب شده‌ای به سمت آسیا داشته باشد.

۱. [New American Reality: An Empire beyond Salvation, Common Dreams, April](#)

۲. Ramzy ۱۰, ۲۰۱۴. source: <http://www.commondreams.org/view/۲۰۱۴/۰۴/۱۰-۶>.

Baroud نویسنده و سردبیر سایت تاریخ فلسطین (Phalestinechronicle.com) است که یادداشت‌های

وی در روزنامه‌ها، مجلات و گزیده‌های سراسر دنیا به چاپ می‌رسد. وی دارای مدرک دکترای مطالعات فلسطین

از دانشگاه اکستر و نویسنده کتاب انتفاضه دوم فلسطین: تاریخ مبارزات مردم فلسطین چاپ انتشارات پلوتون در

لندن است. آخرین کتاب او با نام پدرم مبارزی برای آزادی بود: داستان ناگفته غزه نیز در همین انتشارات به

چاپ رسیده است. ۳۰ کارشناس ارشد زبانشناسی. ۴. John Kerry.. (najmoddine@gmail.com).

→ بخش قبلی

بخش بعدی ←

-
-
-
-
-
-
-

// درباره مرکز

رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای - دامت برکاته - در حکم انتصاب آقای دکتر علی لاریجانی

به سمت ریاست سازمان صدا و سیما (در تاریخ ۱۳۷۲/۱۱/۲۴) بر ضرورت همکاری «متین و سنجیده» صدا و

سیما با حوزه‌های علمیه برای رسیدن به «کیفیت، عمق و والایی» لازم در طرح مباحث اسلامی تأکید کرده و فرمودند ... [ادامه](#)

//ارتباط با مرکز

آدرس: قم بولوار امین مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

تلفن ۹۶۷۱ - ۳۲۹۱ (۰۲۵) :

//پیگیری

ما را دنبال کنید

تلاش امریکا برای تأسیس منطقه جدید غرب آسیا در منطقه محکوم به شکست است. به نظر می‌رسد سیاست خارجی ایالات متحده تقریباً به طور کامل زمین‌گیر شده است. در واقع اوباما پس از رسیدن به ریاست جمهوری به علت وجود واقعیت‌های دردناک بی‌شماری که از زمان جرج بوش بر جای مانده بود، به طور مداوم مأموریت اطفای حریق را در دستور کار خود داشته است. از منظر منطق نومحافظه‌کاران امریکایی صاحب قدرت و حامی حکومت صهیونیستی، حمله به عراق تلاشی دیرهنگام برای به دست گرفتن مجدد ابتکار عمل در غرب آسیا و مهار سهم بیشتری از منابع انرژی در سطح جهان محسوب می‌شد. با این هدف، رسانه‌های امریکایی سر و صدای زیادی درباره مبارزه با تروریسم (کشتار سیاسی)، احیای مردم‌سالاری و آزادی به پا کردند؛ اما نومحافظه‌کاران به شدت اهداف اصلی خود را از این جنگ مخفی نگه داشتند و به طور خستگی‌ناپذیری نسبت به کاهش ثروت کشور خود هشدار دادند. همچنین برای تغییر نقشه غرب آسیا و کاهش سرعت پیشرفت چین و سایر کشورهای قدرتمندی که آهسته می‌کوشند برای

مواجهه با ابرقدرت‌های جهان پس از دوران جنگ سرد روی پای خود بایستند، تلاش سختی کردند. اما این‌گونه تلاش‌ها همگی محکوم به شکست بود. ایالات متحده در حالی از عراق گریخت که توازن قدرت به هم ریخته و گروه‌های جدید برندگان و بازندگان پدید آمده بود. خشونت ناشی از حمله و اشغال، عراق را وحشت‌زده کرد و بی‌ثباتی را به کشورهای همسایه از طریق رکود اقتصادی، افزایش نظامی‌گری و خشونت و اعمال فشار بیشتر در بخش‌های سیاسی - که تا آن زمان از ثبات خوبی برخوردار بود - تزریق کرد. جنگ عراق آمریکا را فرسوده کرده و شرایط غرب آسیا را به مرحله گذار رسانده است، اما نه آن گذاری که کاندولیزا رایس، وزیر خارجه سابق آمریکا، از آن حمایت می‌کرد. واقعیت آن است که «غرب آسیای جدید» وجود ندارد، بلکه در حال حاضر غرب آسیای پیشین بیش از هر زمان دیگر در بدترین وضعیت خود قرار گرفته است. زمانی که آخرین سربازان آمریکایی حاضر در عراق طبق برنامه زمان‌بندی شده در دسامبر ۲۰۱۱، از مرزهای این کشور خارج و وارد کویت شدند، آمریکا گزینه‌های بسیاری در پیش روی داشت، اما با روشن شدن محدودیت قدرت نظامی ایالات متحده، مشخص شد این کشور در جنگ عراق پیروز میدان نبوده است؛ چراکه اقتصاد متزلزل سرگردان میان زوال و بهبود، از بین رفتن اعتماد کشورهای دوست آمریکا به آن و همچنین خراب شدن وجهه تهدیدی این کشور برای کشورهای دشمن او، به خوبی بیانگر شکست آمریکا در جنگ عراق است؛ به طوری که ایالات متحده در حکم ببری بی‌دندان برای دشمنانش محسوب شد.

// درباره مرکز

رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای - دامت برکاته - در حکم انتصاب آقای دکتر علی لاریجانی به سمت ریاست سازمان صدا و سیما (در تاریخ ۱۳۷۲/۱۱/۲۴) بر ضرورت همکاری «متین و سنجیده» صدا و سیما با حوزه‌های علمیه برای رسیدن به «کیفیت، عمق و والایی» لازم در طرح مباحث اسلامی تأکید کرده و فرمودند ... [ادامه](#)

شکست ایالات متحده در منطقه غرب آسیا بیش از پیش در سوریه و اوکراین نمایان است

ایالات متحده در جنگ لیبی حضور داشت، اما فعالیت‌های نظامی خود را در زیر چتر اقدامات بزرگ‌تر ناتو انجام داد تا در صورت بروز خطا، چنان‌که قابل پیش‌بینی بود، تنها بار بخشی از مسئولیت را به دوش گیرد. بی‌شک با شکل‌گیری انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ در مصر، موقعیت آمریکا در این کشور تنها به دلیل فقدان

شفافیت و ارتباط با کشوری با وسعت و نفوذ مصر، بیش از سایر کشورهای قدرتمند غربی آشفته بود؛ با این حال تنها در سوریه بود که ضعف آمریکا به هیچ وجه نخواهد توانست تعهدی را که کشورهای غرب آسیا در بحبوه جنگ‌ها و انقلاب‌های کنونی بدان نیاز دارند به آنها بدهد. به عبارت دیگر، آمریکا غرب آسیا را از دست داده است.

ایالات متحده به خوبی نمایان شد؛ چراکه مداخله نظامی در سوریه به عللی که هیچ‌یک اخلاقی نبود، عملاً ناممکن بود. نفوذ سیاسی آمریکا کاهش یافته و مهم‌تر از همه آن که متحدین منطقه‌ای آن در سراسر غرب آسیا در حال خروج از لوی رهبری آمریکا هستند. به این ترتیب آمریکا به دلیل یافتن جایگزین برای فروش تسلیحات خود متوجه روسیه است و بر چین به جهت منافع اقتصادی متمرکز شده است.

به نظر می‌رسد سفر باراک اوباما به عربستان سعودی در اواخر ماه مارس هم نمی‌تواند گام بزرگی برای تقویت اتحاد متزلزل دو کشور در منطقه باشد. حتی اگر ایالات متحده آماده ترمیم شرایط باشد، فقدان اراده سیاسی، ظرفیت‌های اقتصادی و قدرت نظامی مؤثر، مانع از آن خواهد بود. درست است که ایالات متحده هنوز قابلیت‌های نظامی بی‌شماری دارد و بزرگ‌ترین اقتصاد دنیا محسوب می‌شود؛ اما آمریکا به هیچ وجه نخواهد توانست تعهدی را که کشورهای غرب آسیا در بحبوه جنگ‌ها و انقلاب‌های کنونی بدان نیاز دارند به آنها بدهد. به عبارت دیگر، آمریکا غرب آسیا را از دست داده است.

حتی احتمال دارد چرخش به سمت آسیا نیز نتیجه مطلوبی نداشته باشد. از سویی رقبای ایالات متحده در سال‌های اخیر با وجود روسیه رشد جسورانه و قاطعانه‌ای داشته‌اند و با برنامه‌ریزی‌هایی که صورت داده‌اند آمریکا و متحدان اروپایی مشتاقش را سال‌ها مشغول نگاه خواهند داشت. موضع‌گیری روسیه در قبال کریمه اوکراین نیز بار دیگر محدودیت‌های ایالات متحده و ناتو را در مناطق خارج از عوامل متغیر متعارف نفوذ قدرت‌های غربی به خوبی نشان داد.

اگر ایالات متحده می‌توانست در منطقه دریای چین جنوبی و دریای چین شرقی برای دستیابی به منابع انرژی، ظرفیت‌های موجود و بازار و مسیرهای حمل و نقل جنگی به راه بیندازد، این جنگ بی‌شک سخت‌ترین و کشنده‌ترین جنگ تاریخ خواهد بود. چین همچون عراق پیش از اشغال نیست که بر اثر سال‌ها جنگ، محاصره و تحریم فرسوده شده باشد. حمله نظامی به جغرافیای وسیع آن به راحتی ممکن نیست و نیروی نظامی آن را نمی‌توان تنها با ضربه و تهدید از پای درآورد.

به این دلیل است که ایالات متحده ابتکار عمل را در منطقه غرب آسیا و فراتر از آن از دست داده است. نومحافظه‌کاران مست از قدرت نظامی، آمریکا را به سمت جنگ‌های پر هزینه‌ای سوق دادند که این امپراتوری را پیش از آن که نجات یابد غرق کرده است و این چنین است که طراحان سیاست خارجی آمریکا در حکم دیپلمات‌هایی آتش‌نشان هستند که باید آتش جنگ‌افروزی‌های خود را در فلسطین، سوریه و اوکراین خاموش کنند. این گونه است که چند سال اخیر برای آمریکایی‌ها بیانگر واقعیات جدیدی در دنیای کنونی بوده است.

۱. Crimea.
